آیات الاحکام

۱- آیات الاحکام چیست و به چه چیزی می پردازد؟ مقدمه

آیات الاحکام یا فقه القرآن آیاتی هستند که در آن حکم شرعی مکلف بیان شده است

حلال، حرام

۲- چه تعداد از آیات قرآن آیات الاحکام است؟

در تعداد اختلاف زیادی است کمترین تعداد ۲۰۰ و ... و بیشترین ۱۰۰۰

* ۳- علت اختلاف در تعداد آیات الاحکام چیست؟

در بسیاری از آیات قرآن در اینکه آن آیه حکم شرعی مکلف را بیان می کند یا خیر

تفاوت وجود دارد مثال۱ ← لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ آیه ۷۹ ← واقعه

معنی ← مس نمی کنند قرآن را مگر کسانی که طهارت داشته باشند

برداشت اول ← طهارت داشتن هنگام لمس قرآن ← آیات الاحکام

برداشت دوم ← کلمه مس در این آیه یعنی رسیدن

یعنی ← به حقایق قرآن کسی دست پیدا نمی کند مگر اینکه قلب پاکیزه داشته باشد

مثال۲ ← إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

برداشت: با وضو بودن را خداوند دوست دارد

برداشت اول ← با وضو بودن را خداوند دوست دارد

که هر ساعت از شبانه روز را به نیت طهارت داشتن می‌توان وضو گرفت ← آیات الاحکام

اصطلاح علمی ← کونه علی الطهارة

برداشت دوم ← ربطی به وضو ندارد... خدا کسانی را که توبه می‌کنند و پاک شدگان را دوست دارد مقصود توبه از گناهان و پاک شدن است نه وضو و طهارت

(۱) طبق مثال های ذکر شده علت اختلاف: { برداشت مختلف و تفسیر مختلف / چگونگی شمارش آیات

+ برداشت های مختلف از یک آیه به در نتیجه تفسیرهای مختلف آیه به وجود می‌آید

(۲) یسئلونک عن المحیض ... ← کل این یک آیه حساب کنیم یا چند بخش

عده ای معتقدند یک بخشی از آن ربطی به آیات الاحکام ندارد

بخش اول ← عدم آمیزش هنگام حیض

بخش دوم ← فإذا تطهرن فأتوهن من حیث أمرکم الله ← آمیزش بعد از پاکی

فرض حکم شرعی سوم ← إن الله یحب المتطهرین ← طهارت داشتن محبوب خداست

+ علت دوم در چگونگی شمارش آیات است که یک آیه کامل حساب می‌شود یا چند بخش

آذرمهر

۴- آیا قرآن ظهوری دارد ← آیا ظاهر قرآن حجت است؟ بله

در جای خود در اصول ثابت شده که ظاهر قرآن حجت است و می توانیم مطالبی از ظاهر برداشت کنیم و حکم بدهیم چرا که ظواهر قرآن برای عموم مردم حجت و معتبر است

۵- ادله فقهی در برداشت احکام کدام است؟ (ادله اربعه)

۱) قرآن کریم: با توجه به آنچه در اصول ثابت شده که ظواهر قرآن حجت است پس می توان قرآن را به عنوان یکی از منابع فقهی به شمار آورد ← آیاتی که احکام دارد

۲) سنت: روایات ← آنچه که از امام معصوم به ما رسیده اعم از سخن او یا عمل او یا سکوت او که تقریر که برای ما مدرک و حجت فقهی است.

۳) عقل: بحث حسن و قبح عقلی که یک بحث آن در کلام است، و در فقه ما کاربردی دارد.

۴) اجماع: اتفاق علماء متقدم ← علمای نزدیک به عصر معصوم

آیات الاحکام

آیه اول ← چرا وضو می گیریم ← آیه ۶ سوره مائده ← بحث وضو - غسل - تیمم

معروف

یا أیّها الّذین آمنوا ← خطاب به کسانی که قبلا ایمان آورده اند (تمام قرآن)

فعل ماضی

سؤال ← وقتی فعل این آیه ماضی است و زمان نزول ۱۴۰۰ و خرده سال پیش است چطور به زمان حال ربط پیدا می کند؟

۱. زمان نزول آیه خطاب به قبل است نه الّذین آمنوا.. پس شامل ماضی شود

۲. فعل ماضی از زمان [حالی] می شود یعنی اصل وجود چیزی را می خواهد بگوید نه اینکه زمان آن ← اصل ماده مهم است نه زمان آن

مثال ← صفت خدا: کان الله عزیزا حکیما فعل ماضی

یا أیّها الذین آمنوا إذا قمتم إلی الصلاة فاغسلوا

یاء ← حرف ندا أیّها ← أیّ ← وصلیه ها ← هاء تنبیه

الّذین ← منادا آمنوا ← جمله صله به موصول خود را بطور می خواهد

واو ← به آمنو برمی گردد ← عائد صله

إذا ← صله شرطیه قمتم ← فعل شرط

فاغسلوا ← جواب شرط

فاء جواب

إذا ← ظرفیه شرطیه ← هر زمان که اینگونه شد آنگونه می شود

زمان و مکان

نکته! هر زمان یا به کلمه ال دار برسد نیاز به أیّها دارد

۱- چه زمانی در جواب شرط نیاز به «فاء» داریم؟

۱- ۱) اگر جواب شرط جمله اسمیه باشد ← وَمَن یَتَوَکَّل عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسبُهُ

۲) اگر جواب شرط فعل امر باشد ← إن دَخَلتَ بیتاً فَسَلِّم عَلیٰ أهلِهِ

۳) جواب شرط قد + فعل ماضی باشد ← مَن قُتِلَ مَظلوماً فَقَد جَعَلنا لِوَلیِّهِ سُلطاناً

۴) اگر جواب شرط با اداتی مانند لم لن ما لا ... شروع شده باشد

إن اعتَزَلوکُم فَلَم یُقاتِلوکُم

۲- چرا در آیه ۶ سوره مائده «وجوهَکُم و أیدیَکُم إلی المَرافِق» کلمه أیدی و وجوه

به صورت جمع آمده است؟ هنگام وضو دو مورد باید شسته شود

وجوه ← صورت هایتان : جمع ← به اعتبار مجموع مخاطب

وُجوهَکُم ← به اعتبار فرد فرد

أیدی ← جمع یَد

یَدَیکُم ← به اعتبار فرد فرد

أیدی ← به اعتبار مجموع مخاطب

۳- طبق این آیه محدوده شستن دست ها تا کجا است؟ إلی المَرافِق

مرفق ← آرنج حروف اصلی ← ر ف ق محل رفق ← نرمی

آدینه

حرف فق از نظر صرفی ← اسم مکان «مِفْعَل» اسم آلت: وسیله برای رفق

إلی ← انتهای غایت

۱) هدف و غایت هر جایی فرق می کند و در این آیه غایت شستن است نه جهت حرکت
← تا آرنج شسته شود ← انتهای شستن بیان شده است

۲) آیه محدوده شستن را بیان می کند نه کیفیت آن

۴- کیفیت شستشو در کجای آیه بیان شده است؟

در آیه کیفیت شستن بیان نشده است بلکه از سنت استخراج می شود

۵- طبق ادامه آیه «وامسحوا برؤوسکم» کلمه «ب» چه نقشی دارد؟

کلمه ب: معان محدوده مسح سر را بیان می کند

مسح ← چیزی به چیزی کشیدن
لمس ← لمس بودن «با لطافت همراه است
مَسّ ← سریع و در یک لحظه انجام شود «مسّ قرآن - مسّ میّت

۱- تفاوت أرجُلَكم با أرجُلِكم چیست و عطف به چی است و ما طبق کدام وضو می گیریم؟

اگر أرجُلَكم باشد ← عطف به محل رُؤوسَكم است ← محل نصب بنا بر مفعول امسحوا

* ۲- ادله شیعه بر اینکه أرجُلَكم عطف بر محل رُؤوسَكم می باشد؟

۱) اگر أرجُلَكم عطف به أیدیَكم باشد؛ بین معطوف و معطوف علیه جمله ی اجنبی فاصله شده است ← جمله ای که ربطی به اِغسِل ندارد

۲) در برخی از قرائات ۱۴ گانه ی أرجُلِكم بیان شده است و شاهد عطف به رُؤوسِكم می باشد.

۳) روایت بیان شده اهل سنت مانند آقای سیوطی از پیامبر (ص) که فرمودند: الوضوء غسلتان و مسحتان

۲ مسح ۲ شستن

۲ شستن ← صورت و دست ها

۲ مسح ← مسح سر و پا

۴) روایاتی که از اهل بیت درباره کیفیت وضو بیان شده است

بخش دوم آیه: غسل

وَ إِنْ كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا ← اگر که جنب هستید پس تطهر کنید

فَاطَّهَّرُوا ← تَطَهُّر ← در زبان عرب ← پاکیزه شدن

نکته ۱: آنچه درباره کیفیت غسل داریم در روایات می باشد

درباره غسل در قرآن کلمه ← تَطَهُّر

که اشاره کرده است که جنابت نیاز به تَطَهُّر دارد ← تَطَهُّر چیز است غیر از توضؤا
و غسل چیز دیگری است ← حدث جنابت و آنچه که ملحق به جنابت است ← حیض

وضو برای پاک شدن از جنابت کافی نمی باشد

بخش سوم آیه: تیمم

وَإِنْ كُنتُمْ مَرْضَىٰ ← و اگر بودید شما مریض   مرضی ← جمع مریض

• أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ ← بودید شما در سفری

• أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ ← یا آمد یکی از شما از جایی پایین ← قضای حاجت

• أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ ← یا آنکه لمس کرده است زنان را

برداشت ظاهری اهل تسنن:

لمس عضو مخصوص زن باعث ابطال وضوء شود

برداشت علمای اهل تسنن و شیعه:

لامستم النساء ← کنایه از همبستری

فتیمموا صعیدا طیبا

صعید ← زمین   طیّبا ← پاک

۱) طیب ظاهری: نجاست روی « صعید » نباشد
۲) طهارت باطنی: غصبی نباشد

۳- برای این ۴ مورد زیر تیمم بدل از غسل است یا بدل از وضو؟

① و إن کنتم مرضی ← هر دو

٢) أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ ← هردو

٣) أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ ← وضو

٤) لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ ← غسل

إِمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ ← بکش به صورتت ...

با ← باء بعضیه ← قسمت مشخص شده

وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ ← أَيْدِيكُم ← عطف به وُجُوهِكُم

منه ← صعید ا خاک ا

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ

ما ← نافیه

مِنْ ← من بعضیه

نکته! در آیه ۶ سوره نساء درباره وضو همین مضامین بالا با تفاوت بیان شده است

در آیه ۲۲۲ سوره بقره کلمه ← يَطْهُرْنَ به چه معنا و چه مضمونی دارد؟

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ
فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ
فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ
وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ۲۲۲ - بقره

یسألونکَ : کَ ← پیامبر

یسئلون ← جمع مذکر غائب ← مسلمانان

عَنْ ← حرف جر

سأل + عن ← معنای ← درباره

محیض ← حیض

أذًى ← اذیت و آزار ـ مشقت

فی المحیض : فاء ← فاء نتیجه چون زن در مشقت است پس زمان حیض
از زنان دوری کنید

اعتزال ← باب افتعال عَزَل : دوری کردن

وَلا تقربوهُنَّ حتّی یَطْهُرْنَ - دوری کردن به چه معناست آیا قرینه ای وجود دارد
اعتزلوا

که این آیه بحث آمیزش را بیان می کند یا عدم معاشرت به طور کامل است ؟

قرآن با کنایه سخن می گوید و با قرائن مقصود خود را بیان می کند و با بی حیایی صحبت نمی کند پس صحبت و معاشرت با زنان در دوران حیض مانعی ندارد.

محیض

* ۱) یسئلونک عن المحیض ← مصدر میمی (حیض شدن)
* ۲) فاعتزلوا النساء فی المحیض ← اسم مکان (مکان حیض زنان)

پس علت دو بار تکرار شدن محیض در آیه به علت تفاوت آن است

فاعتزلوا النساء فی المحیض:

اسم مکان ← فرج . آنچه حرمت دارد آمیزش از قبل است
اسم زمان ← دوران حیض زمان حیض

علت «فلسفه» حکم دوری «نزدیک نبودن زمان حیض» چیست؟

زن در زمان حیض در سختی می باشد و باعث مشقت و افزایش سختی برای زن نباشد

و مصلحت و مفاسدی برای زن در نظر گرفته شده و چه بسا نزدیکی زیانبار باشد.

آذرم

حد پایانی: حَتّی یَطْهُرْنَ : تا زمانی که پاک شوند : غسل

طَهُرَ ← پاک شدن از آلودگی ← تمیز شدن حیض خون
تَطَهَّرَ ← پاک شدن روح با غسل ← مصدر

احتمال اول: یَطْهُرْنَ ← پاک شدن ظاهر بدن از خون ← شستن کافی است
احتمال دوم: یَطَّهَّرْنَ ← آمیزش نتوان برقرار کرد با غسل ← حتماً باید غسل کرد

فَإِذا تَطَهَّرْنَ ← مقصود غسل کردن است

ف ← فاء جواب   إذا ← إذا شرطیه
تَطَهَّرْنَ ← فعل شرط   فَأْتُوهُنَّ ← جواب شرط
تَطَهَّرَ ← غسل کردن ← پاکی

چون فعل امر در جواب است حتماً نیاز به فاء جواب داریم !

به قرینه فإذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ پس می توانیم بگوییم و لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتّی یَطَّهَّرْنَ

می باشد ← یعنی تا زمانی که غسل نکردند نمی توانید نزدیکی کنید پس اگر غسل کردند

به نزد آنان بروید.

مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ← برخی علما گفته اند از این آیه معلوم می شود که :

۱) از همان جایی که خدا امر کرده ← حرمت آمیزش از پشت

۲) فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ← اگر مقصود جماع بود باید بجای مِن کلمه فی بیان می شد و خداوند عدم آمیزش در زمان های خاص ← زمان روزه ، طواف ...
بیان کرده است نه طریقه آمیزش را

۳) لذت بردن از زنان در زمان حیض و در غیر آمیزش جایز است (لمس) ؟

اگر فی المحیض دوم در آیه به معنای اسم مکان برداشت کنیم پس لذت بردن

اشکالی ندارد .

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

برداشت اول ← برخی گفته اند که اگر کسی در زمان حیض نزدیکی انجام داده و از حکم الهی سرپیچی کرده توبه نماید و از این گناه خود را پاک کند

برداشت دوم ← در شان نزول آیه آمده که در دوران جاهلیت عدم معاشرت کامل با زنان حائض را داشتند و مسیحی ها همه چیز حتی مباشرت در زمان حیض جایز می دانستند

ولی اسلام اعتدال را رعایت کرده است و فقط نزدیکی در زمان حیض را ممنوع می داند

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ
أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۲۲۳ - بقره

نساؤکم حرث لکم : زنان شما کشتزار شما هستند

حرث ← محل کِشت ← محل رشد فرزند

• أَنَّى شِئْتُم ← در ۳ معنا آمده : کیف ← هرجور
هروقت خواستید
متی ← هر زمان
أین ← هرجا

زن باید در زمان آمیزش تسلیم شوهر باشد : هرگونه می خواهید به سراغ زن بروید

• وقدموا لأنفسکم ۱- برخی به معنای فرزند گرفته اند
پس بفرستید برای خودتان ۲- آمیزش - آمیزشی باشد که ختم به فرزند شود

۳- همانگونه که کشاورز دقت در خرید زمین مناسب دارد پس کسی که به خواستگاری می رود
دقت داشته باشد که چه همسری برایش مناسب است ← قابلیت باروری زن

آذین مهر

• واتقوا الله ... وبشّر المؤمنین

امر به تقوا
پیامبر مأمور به بشارت برای مؤمنانی که حدود الهی را رعایت می کنند

وَ أَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُوراً
و از آسمان آبی طاهر و مطهّر برا شما نازل کردیم 48 - فرقان

أنزَلَ ← باب افعال - متعدی
أنزل - یُنزِلُ : نازل کرد
أنزلنا ← صیغه 14 : ما نازل کردیم

سماء ← از سُمُوّ : به معنای بالا ← آسمان
مِنَ السَّماءِ ← مِن ← حرف جر ← مِن ابتدائیت
• انزال و نازل کردن ابتدا شده از آسمان
أنزلنا ← فعل و فاعل   ماءً ← مفعول به و منصوب
ماءً طهوراً : طهور ← بر وزن فعول

• طهوریت در لغت معنا مازادی دارد.

• قرینه (۱)

طهور از نظر لغت

طاهر: خودش پاک است

مُطَهِّر: پاک شده است

مُطَهِّر بودن ← خدا به آب نسبت داده است

پاک و پاک کننده ← صفت همیشگی آب است

۱) آیا آب پاک فقط آب آسمان و باران شامل می شود یا همه آب ها، رودخانه و...؟

ابن بابویه بیان کرده است که اساس همه آب ها از آسمان است و زمین از خودش آبی ندارد.

بنابراین این صفت برای تمام آب ها ثابت می باشد

▣ قرائن به معنای طَهور:

۱) کتب لغت

۲) استعمال عرب

۳) آیه ۱۱ سوره انفال

• قرینه (۲)

عرب طهور را برای

ماءٌ طهور

تراب طهور

ولی طهور را در عربی به لباس نسبت نمی دهند ← ثوبٌ طاهرٌ

- قرینه (۳)

وَ یُنَزِّلُ عَلَیْکُم مِنَ السَّماءِ ماءً لِیُطَهِّرَکُم بِهِ
و از آسمان آبی می فرستاد که شما را به آن آب پاک گرداند ۱۱-انفال

یُنَزِّلُ ← فعل و فاعل «هو»
ماءً ← مفعول
مِن ← ابتدائیت
لیطهرکم ← ل ← لام تعلیل
بِه ← باء استعانت: به معنای ← به وسیله
باب مُطَهِّر است ← باب تفعیل
طهور - لِیُطَهِّرَکُم ← تصریح دارد به تطهیر
طهور ← به معنای ← پاک کننده - تطهیر می کند

- دلیل طهارت آب:

۱) تا پاک نباشد پاک کننده نیست

۲) سخن امام صادق «ع» که می فرمایند: الماءُ کلُّهُ طاهرٌ حتّی یُعلَمَ أنّهُ قَذِرٌ: همه‌ی آب ها پاک است تا اینکه دانسته شود آب آلوده است

وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ — و جامه‌ات را پاک کن — ٤ - مدثر

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ — و از پلیدی دور شو — ٥ - مدثر

رُجز ← آلودگی

فاهجُر ← دوری بودن

والرُجزَ ← مفعول مقدم

نکته !

خداوند به علت رعایت سجع آیات مفعول را مقدم بوده است

اختلاف :

٢) ثیابک فطهّر آیا معنای مجازی دارد یا حقیقی ؟

احتمال اول ← معنای حقیقی — ثیاب ← لباس

← مفسرین بنابر روایت از حضرت علی « ع » بیان می کنند

حضرت به شخصی که لباسش بلند بود و بر روی زمین می کشید فرمودند لباست را

کوتاه کن که تمام آلودگی زمین به لباس می چسبد و تمیزتر است و عمر لباست

بیشتر می شود چراکه این به تقوا نزدیکتر است

احتمال دوم ← معنای مجازی

امرؤ القیس شاعر عرب وقتی می‌خواهد پاک بودن روح را بیان کند می‌گوید
فلانٌ طاهر الثوب = طاهر النفس بودن

که در زبان عربی چنین استعمالی داریم ← معنای روح پاکیزه

یا أیّها الذین آمنوا إذا نکحتُم
المؤمناتِ ثُمّ طلّقتموهُنّ مِن قبلِ أن
تَمَسّوهُنّ فما لکُم علیهِنّ مِن عِدّةٍ
تَعتدّونَها فمتّعوهُنّ وسرّحوهُنّ
سَراحاً جمیلاً ۴۹ _ احزاب

یطلق ← طلاق دادن
طلّقتم ← شما طلاق می‌دهید
هُنّ ← مؤمنات
تمسّوهُنّ ← لمس بودن کنایه ← بحث نزدیکی و دخول

چون همبستری انجام نشده عیبی ندارد و زن می‌تواند بعد از جاری شدن

صیغه طلاق بلافاصله مجدداً با شخص دیگری ازدواج کند ← عدّه ندارد

فرض طلاق

لاجُناحَ عَلَیکُم إن طَلَّقتُم النِّساءَ
ما لَم تَمَسّوهُنَّ أو تَفرِضوا لَهُنَّ فَریضَةً
وَ مَتِّعوهُنَّ عَلَی المُوسِعِ قَدَرُهُ وعَلَی المُقتِرِ
قَدَرُهُ مَتاعاً بِالمَعروفِ حَقّاً عَلَی المُحسِنینَ ۲۳۶ - بقره

جناح ← گناه - معصیت ـ لغت / در آیه با گناهی بوشنا نیست
لاجناح علیکم ← بحث صداق زن می باشد نه طلاق دادن

در ۲ مورد گناهی بر مرد نیست که زن را بدون مهریه طلاق دهد:

۱) مالَم تَمَسّوهُنَّ: قبل همبستری
۲) أو تَفرِضوا لَهُنَّ فَریضَةً: تا زمان تعیین نکردن مهریه

فرض - یفرضوا ← واجب قراردادن

و مَتِّعوهُنَّ عَلَی المُوسِعِ: هدیه بدهید به زن به مقداری که می توانید
عَلَی المُوسِعِ قَدَرُهُ: موسع ← کسی که وسعت دارد
قَدَرُهُ ← به اندازه ای که می تواند ← به اندازه خودش

وعَلَی المُقتِرِ: مُقتِر ← تنگدستی
مَتاعاً: مفعول مَتِّعوهُنَّ

بالمعروف: این هدیه براساس نیکوکاری و عُرف باشد

شأن نزول این آیه:

عرب به راحتی و بسیار زیاد زن را طلاق می داد و خیلی هم رجوع میکردند
حضرت نهی کردند و فرمودند: چه می شود با جماعتی که با حدود الهی بازی می کنند
و طلاق نوهید مگر اینکه گمان بوی درباره زن برده می شود.
عرب فکر کرد چون نهی شده پس طلاق ممنوع شده پس این آیه ذهنیت آنان را
نسبت به طلاق درست می کند.

حقاً علی المحسنین: اگر می خواهید جزو نیکوکاران باشید بر شما واجب است

ابن بابویه: اینکه می گوید غنی به اندازه خود و فقیر به اندازه خود

غنی ← خانه هدیه دهد
متوسط ← لباس و پارچه
فقیر ← انگشتر و درهم

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ
وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ
إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ
عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ
لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ
إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ   ۲۳۷/۲ - بقره

أَنْ تَمَسُّوهُنَّ ← کنایه از همبستری

و قد فرضتم ← واو حالیه

فرض ← قطع کردن ← مهریه چون می برد

* دو گروه می توانند نصف مهریه را ببخشند:

۱) أَنْ یَعْفُونَ ← خودش   ۲) أو یعفو الذی بیده عقدة النکاح

آن صغیره است به دست کسی که عقد نکاح انجام می شود

صغیره ← شیرخوار تا قبل بلوغ

لا تنسوا ← فراموش نکردن

الفضل ← فراموش نکنید فضیلت ها بین خودتان

• زنانی که همبستری با آنها انجام نشده و طلاق داده شده اند چه مقدار مهریه حق آنان است؟

نصف مهریه ای که تعیین شده است مگر آنکه آن نصف را یا خود زن ببخشد یا عفو کند به دست کسی که گره نکاح به دست اوست « صغیر، جنون »

• مهریه را کامل باید گرفت یا بخشید؟

وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ

بخشیدن شما نزدیکتر است به تقوی

« وفات شوهر و عدّه زن »

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ
أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى
الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي
أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲۴۰ - بقره

والذین یُتَوَفَّوْنَ منکم ← و کسانی از شما که فوت می کنند

تَوَفّی ← جان را گرفتن

یذرون ← ترک می کنند - رها می گذارند از خودشان همسرانی را
وصیة لأزواجهم ← باید وصیت کنند برای همسرانشان
متاعا إلی الحول ← نفقه و خرجی آنها را تا یک سال
حول ← یک سال = سنة
غیر اخراجٍ ← از خانه شوهر اخراجش نکنید

مردو وصیت کنند زن تا یک سال در خانه اش بماند و تا یک سال نفقه و خرجی به آنها
بدهید و اگر این زن ها خودشان رفتند و تصمیم درستی گرفتند گناهی بر شما نیست

معروف ← تصمیم درستی گرفتند

این آیه با آیه عده وارث تنافی دارد :

- آیه عده ← ۴ ماه و ۱۰ روز صبر کردن زن
- آیه ارث ← ارث هم برای زن زمان بچه داشتن و نداشتن مشخص است $\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{8}$

- این آیه به بقره ۲۴۰ که می گوید زن تا یک سال در خانه شوهر بماند بسیاری
برداشت عده می کنند و عده هم که ۴ ماه و ۱۰ روز است و یک سال خرجی و نفقه هم
که فقط ارث اموال است

- تنافی بین این آیه و آیه ارث و عده را چگونه پاسخ می دهید؟

بین مفسرین دو نظریه وجود دارد

نظریه (۱) ← نازل شدن این آیه قبل از آیه ارث و عده می باشد
پس این آیه بعد از نزول آنان نسخ می شود ← منسوخ شده توسط دو آیه دیگر

+ نسخ می شود ← حکم قبلی از بین می رود

نظریه (۲) ← این آیه نسخ نشده آیه عده که می گوید ۴ ماه و ۱۰ روز و آیه ارث
$\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{8}$ اموال مقدار ضروری و واجب را بیان می کند

اما یک حکم مستحبی داریم ← که مرد حتماً وصیت کند از ثلث اموال خودش ← $\frac{1}{3}$
که تا یکسال از این اموال نفقه به زن دهید و یکسال بماند در خانه مرد
و برای زن هم مستحب است تا یکسال صبر کند و حرمت نگه دارد.

* این آیه بیان مقدار مستحب و آیه ارث و عده مقدار واجب را بیان می کند

يا أيها النبي قل لأزواجك وبناتك
ونساء المؤمنين يدنين عليهن من
جلابيبهن ذلك أدنى أن يعرفن فلا
يؤذين وكان الله غفوراً رحيماً ۵۹ - احزاب

يا أيها النبي ← ای پیامبر
قل لأزواجك وبناتك ونساء المؤمنين ← به همسران و دختران و زنان مؤمنان

شأن نزول ۱: زنان مؤمن که ایمان داشتند به رسم و شیوه در وقت نماز به سمت مسجد می رفتند و نماز را با پیامبر می خواندند. جوانان این موضوع را فهمیدند و در مسیر خانه ها قرار می گرفتند و باعث آزار و اذیت آنان می شدند
پس باعث شد این آیه نازل شود که موها را بپوشانید که تحریک نداشته باشد.

شأن نزول ۲ ← اهل سنت: زن پیامبر به نام سوده از خانه بیرون آمد چون بدن چاق داشت عمر خطاب گفت چرا بیرون آمده او سوده برگشت و این جریان را برای پیامبر نقل کردند و این آیه نازل شد ← بیشتر برای فضیلت برای عمر خطاب می باشد

شأن نزول ۳ ← اهل سنت: زنان پیغمبر برای کار شخصی شب ها بیرون می آمدند برخی منافقین معترض می شدند و اذیت می کردند... وقتی از منافقین پرسیدند چرا معترض می شوید؟ گفتند ما نسبت به کنیزان ما این شوخی و متلک را انجام می دهیم.

ازواج ← زنان ← زوجات

یدنین علیهن ← ادنی و یدنی ← نزدیک کردن ← مضارع ← باب افعال

نزدیک کنند بر خودشان جلباب را / خود را نزدیک خود کنند

جلباب در کتب لغت
↓

۱) راغب اصفهانی ← پیراهن و روسری

۲) صحاح ← چادر شب

۳) فیروزآبادی ← پیراهن و لباس گشادی که زن لباس کوچکترها با آن می‌پوشاند

ذلک أدنی ← این خیلی نزدیکتر است به شناخته شوند و اذیت نکنند

وجوب پوشش صورت از شیعه کسی نگفته است

شناخته شوند ← بدنشان کسی نشناخته باشد

جلباب ← پارچه بلندی که بدن تا سر و بودن را بپوشاند

اصل شأن نزول
↓

اذیت و آزار زنان مؤمن به دست منافقان و خواگفتن خودتان را بپوشانید

یُدنینَ ← نزدیک می‌کنند ← فعل مضارع ← مقام دستور است ← فعل اخبار است

به شدت آن از فعل امر بیشتر است   أدنی - یُدنی ← حروف اصلی ← دُنُو

آذر مهر

نکته:

آیا این آیه بیانگر این است که زنان جلباب داشته یا خیر؟

زنان از قبل جلباب داشته اند بلکه جلباب بدن محکم تر بلند تر

آدم و حوا توی بهشت پوشش داشته اند بعد از رانده شدن از بهشت پوشش نداشته اند

نکته!

بگو به همسرانت ← پس در امر به معروف ← از خودمان ← از خانه خودمان

• حکم مثل حجاب ـ تفاوتی بین زن پیامبر و غیر نداره.

• بی حجابی مایه اذیت و آزار زن می‌شود دل بیمار طمع می‌کند و عفت عمومی زیر سؤال می‌رود

• خروج زن از خانه از نظر قرآن با حفظ عصمت و [redacted] اشکال ندارد

کان الله غفوراً رحیما ← هم می‌بخشد و هم مهربان است

این بخشش شامل کسانی است که از سر جهل بدحجاب بوده اند

نه برای کسانی که عمداً انجام می‌دهند

نکته مهم!

اذیت و آزار

بهانه به دست چشم چرانان ندهید

وَقُل لِلمُؤمِناتِ ...

... لَعَلَّكُم تُفلِحُونَ ۳۱ - نور

قُل لِلمُؤمِناتِ ← به زنان مؤمن بگو

یَغضُضنَ مِن أَبصارِهِنَّ ← چشم خودشان را از نگاه های هوس آلود فرو بگیرند

← نگاه خیره و تند شهوانی نداشته باشند

وَلا یُبدینَ ... مِنها

أَبدی - یُبدی ← آشکار کردن

آشکار نکنند زینت خودشان را مگر آن مقداری که نمایان است

وَلیَضرِبنَ ... جُیوبِهِنَّ ← بیندازند خُمُرشان را روسری ها آن چیزی که سرها با آن می پوشانند - بر روی سینه هایشان

جَیب ← عرب ← فاصله زیر گلو تا اواسط سینه

شأن نزول آیه

جابر بن عبدالله روزی دید اسماء دختر یکی از صحابه که دارای یک نخلستان بود - زنان مدینه پیش او رفتند و لباس روپوش نداشتند و خلخال به پا داشتند و پا و گردن و سینه آنها پیدا بود ، اسماء ناراحت شد که چرا اینگونه آمده اید؟

لذا ظاهر بی حیاء خبر به پیامبر رسید و این آیه نازل شد.

چه کسانی استثنا شوند؟ فقط برای شوهرشان یا پدرهاشان یا پدر شوهرهاشان یا پسر شوهرشان یا برادرشان یا پسر برادرشان یا پسر خواهرشان یا زنان دیگر یا آن برده و کنیز یا مردان خدمتکاری که تمایل جنسی ندارند یا بچه هایی که به سن تمییز نرسیدند

و لا یضربن ... زینتهن ← نکوبند پاهایشان به زمین که زینت آشکار شود ← خلخال

۱- خُمُر ← مفرد ← خمار ← آن چیزی که سر را می پوشاند
به شراب خَمر می گویند چون عقل را می پوشاند

۲- جیوب ← جمع ← جَیب ← گریبان
بُعولتهن ← شوهر
اِربة ← نیاز
عورت ← عار ← هر چیزی که پوشاندن آن واجب است

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه: زنان به عورت زنان دیگر نگاه نکنند و عورت خود را حفظ کنند ← حفظ فرج از نگاه دیگری

پیامبر: إلّا لبعولتهنّ: فقط برای شوهرشان
آن دسته از زنان که به نیاز شوهرش بی‌توجه هستند لعنت شده است

در عصر جاهلیت سینه و گردن پوشانده نمی‌شد این آیه نازل شد. پس بحث حجاب برای جلوگیری از تمایلات جنسی آمده است

نکته!
عفت و نگاه حلال ← هم برای زن و هم برای مرد واجب است

۳- زنان نخواهند جلوه گری کنند و زینت آشکار کنند مورد تأیید خداوند نیست
۴- إلّا ما ظهر منها ← دست و صورت اشکال ندارد
۵- از بین پوشش‌ها روسری و مقنعه اشاره شده که بزرگ و بلند است تا روی سینه پوشانده شود.
۶- اسلام به نیازهای جنسی و غریزی توجه کرده ← جلوه گری برای شوهرانشان
۷- هر کفش و لباسی که موجب زینت زن شود جایز نمی‌باشد
* ۸- زن می‌تواند زینت خودش را به زنان مسلمان دیگر نشان دهد
چرا فقط مسلمانان؟
چون زنان یهود و نصارا پیش شوهران خود ظاهر و چهره شما را تعریف و توصیف می‌کنند
** ۹- غیر اولی الاربة من الرجال ← مردانی که تمایل جنسی ندارند عدم حجاب اشکال ندارد

۱۰- حضور زن در جامعه مانعی ندارد اما شرطش اینکه بدون زینت باشد

تنها راه نجات انسان ها توبه و رستگاری است

وَ اللّاتي يَأْتِينَ الْفاحِشَةَ مِنْ نِسائِكُمْ
فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ
شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفّاهُنَّ
الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً ۱۵- نساء

وَاللّاتي ← آن دسته از زنان شما که مرتکب فحشا می شوند

استشهدوا ← باب استفعال

فاستشهدوا ← پس طلب کنید شاهدانی را

عَلَيْهِنَّ ← بر علیه زنان شما که مرتکب فحشا شدند

شاهد کنید بر این زنان چند نفر ← أَرْبَعَةً مِنْكُمْ ← ۴ نفر از شما مردان

عَلَيْهِنَّ ← ضمیر مذکر و مؤنث به صورت جدا ذکر شده

فاحشه ← به غیر از یکی دو مورد به معنا همجنس گرایی و در اکثر موارد به معنا زنا می باشد

مِن نسائکُم ← همسرانتان

فَامسِکوهُنّ

امساک ← نگه داری   امسِک ← فعل امر ← نگه دار

امسِکوا ← نگه دارید شما   هُنّ ← زنانی که مرتکب زنا شدند

فی البیوت ← در خانه‌هایشان نگهشان دارید ← حبس ابد در خانه

تا چه زمانی ← تا زمانی که مرگ جان آنها را بگیرد ← حتّی یتوفّهنّ الموت

فاعل یتوفی ← موت   هُنّ ← مفعول

أو یجعل اللّهُ لهنّ سبیلا ← یا خدا برای آنها راه دیگری بگذارد

مقصود از نسائکُم ← ظاهر ← به علت تفاسیر مختلف ← زنان شوهردار

نساء ← زن   بنت ← دختر

عقوبت زنای زن شوهردار

اَلزّانِیَةُ وَالزّانی فَاجْلِدوا کُلَّ واحِدٍ مِنهُما
مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلا تَأْخُذْکُم بِهِما رَأفَةٌ فی دینِ اللّهِ
إن کُنتُم تُؤمِنونَ بِاللّهِ وَالیَومِ الآخِرِ وَلیَشهَد
عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ المُؤمِنینَ ۲ - نور

اَلزّانِیَةُ وَالزّانی ← زن زناکار و مرد زناکار
فَاجْلِدوا... مِائَةَ جَلْدَةٍ ← جِلد ← پوست
چون قدیم تازیانه از پوست درست می‌کردند به تازیانه جلد می‌گفتند
جَلَدَ - یَجْلِدُ ← تازیانه زدن

• ریشه کلمه جَلْد - جِلْد ← پوست ← به علت ساختن تازیانه
از این دو تا چقدر جلد کنید ← مِائَةَ جَلْدَةٍ ← ۱۰۰ تازیانه بزنید

و لا تَأْخُذْکُم... ← و نباید شما نسبت به اینان رأفتی در دین خدا
رحم نباید محدوده شریعات خداوند است
اگر ایمان به خدا و روز قیامت دارید ← ... والیومِ الآخِر

• ولیشهد ← باید شهادت بدهند ← طایفه ای از مؤمنین شاهد عذاب
این دو باشند

عذاب ← مفعول

لزوم آنکه گروهی از مؤمنان شاهد عذاب زانی و زانیه باشند یعنی طائفه ای باید این تازیانه زدن را ببینند ← در ملأ عام

آیه اول ظاهر ← مِن نسائکم ← زنان مؤمنین جنس زن چه مجرد چه متأهل که چهار نفر شهادت دهند در خانه تا زمان مرگ حبس می‌شوند

آیه دوم ظاهر ← زن زناکار و مرد زناکار، چه مجرد چه متأهل حکم آنان تازیانه خوردن است

پس نه آیه اول و نه آیه دوم قیدی درباره مجرد و متأهل بودن ندارد.

در فعل ← زن زناکار شوهردار ← رجم
مجرد ← تازیانه

آیه اول ← حبس
← از کجا آمده؟
آیه دوم ← تازیانه

برداشت عام آیه اول

ابن عباس هم همین برداشت عام کرده (مجرد / شوهردار) شامل می‌شود

خود آیه گفته ← آنان را حبس ابد کنید یا اینکه خداوند راه دیگری برای آنان قرار دهد
پس مقصود زنان مؤمن مجرد و متأهل حکم یکی بوده است

راه دیگر که آیه گفته ← که خدا در مرحله دوم زن مجرد را از زن متأهل جدا کرده
متأهل ← رجم   مجرد ← تازیانه

✓ روایت دوم
آیه اول حکم حبس داده تا اینکه خداوند راه دیگری قرار داده است
آن حکم در خودش نسخ شده ← حکم موقت است

مضمون اینها روایت از امام صادق «ع» و امام باقر «ع» است
زمانی که آیه دوم نازل شد پیامبر گفت خداوند برای این زنان زناکار راه دیگری
قرار داده ← چه راهی؟

اگر مجردی با مجردی زنا کنند ← ۱۰۰ تازیانه
اگر دو متأهل زنا کنند ← رجم

* نکته!!!
بحث رجم در روایات بیان شده نه در قرآن - در قرآن رجم به این معنا نداریم

* نکته (۲) !

ممکن است مواردی استثنا داشته باشد

مثال: اگر شیخ وشیخه زنا کنند یا قبلاً مجرد باشد زمانی که حکم تازیانه باشد نه رجم

یا اگر زنا بر اثر فشار و تهدید باشد این حکم برداشته می شود.

مثال: زنی نزد عمر رفت که من حدود الهی را زیر پا نداشته ام و زنا کرده ام پس عمر خواست حکم دهد امام علی (ع) فرمودند عجله نکن ابتدا علت زنا را سوال کن زن گفت در بیابان به علت تشنگی زیاد و عطش و به شرط تمکین مرد عرب به من آب داده و من به علت نجات جان خودم مجبور به انجام این کار شدم پس حکم از آن زن برداشته شد پس گناه برای زنا نکرده است

این خانوم نه تعدی کرده نه از حکم تجاوز کرده است

زنا چگونه ثابت می شود؟

(۱) اقرار خود زانی و زانیه

(۲) چهار شاهد مرد عادل شهادت بدهند که در یک زمان و در یک مکان دخول را دیده اند ← خود زنا

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ
إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ
وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ
إِنْ لَمْ يَكُنْ . . .
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ 12 - نساء

وَلَكُمْ نِصْفُ ... وَلَدٌ ← برای شما مردان
نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ ← نصف چیزی است که ترک می کنند همسران شما
$\frac{1}{2}$ از ترکه خانوم برای شوهرش

أَزْوَاج ← جمع ← زوج

در زبان عربی ← زوج «مرد» - زوجه «زن»

ما هم کلمه «زوج» ← مشترک برا خانوم و آقا

علی الخصوص زمان جمع این استعمال مقصود خانوم ها شما می باشد

پس کلمه «زوج» مصداقاً برای مذکر نمی باشد

• اموال زن برای شوهر است :

۱) ½ اموال زن برای شوهر است اگر زن نه از این شوهر فعلی و نه از شوهر سابق بچه نداشته باشد

۲) فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ : پس اگر باشد برای زنان فرزند پس برای شما مردان ، ¼ است از آن چیزی که زنان برخودشان جای می گذارند

نکته!

اگر برای آن زنان وَلَد است : شامل فرزند شوهر سابق و شوهر فعلی می باشند ← بچه متولد از این زن باشد

ولی اگر مرد از زن دیگر فرزند داشته باشد سهم الارث مرد ½ است

پس ملاک بچه دار بودن یا نبودن این خانوم است چه از شوهر فعلی و چه از شوهر دیگر

½ و ¼ برفرض بچه دار بودن یا نبودن طبق رعایت کدام شرط؟

۱) مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ ← بعد از وصیت

۲) أَوْ دَيْنٍ ← پرداخت دین

دَین ← اگر دینی بر گردن انسان باشد به محض آنکه انسان فوت می کند.

به گفتهٔ علماء - تمام دین حال می شود ← وقتش فرا می رسد.

مثال ←: قرض ۶ ماهه بوده و فوت ۲ ماه بعد اتفاق می افتد که به محض فوت فرد وقت تمام می شود و باید سریع پرداخت شود چون ورثه اموال را قسمت می کنند

وصیت ← اگر شخصی وصیت کند بخشی از اموالش به مؤسسه خیریه داده شود این وصیت تا $\frac{1}{3}$ کل اموال نافذ می باشد

نکته!

هیچکس بیش از $\frac{1}{3}$ اموالش را نمی تواند وصیت کند ← مسئله شرعی

- فوت خانوم وارث بردن آقا:

۱) مِن بعدِ وصیّة ← $\frac{1}{3}$ اموال

۲) أو دَین ...

۳) فرزند دارد: $\frac{1}{4}$ | فرزند ندارد: $\frac{1}{2}$ إن لم یکن ولدٌ

فإن کان لهنّ ولدٌ

• فوت آقا و ارث بردن خانوم: ←

وَلَهُنَّ ← و برا آن زنان است $\frac{1}{4}$ از چیزی که شما مردان برجای میگذارید

۱) إن لم ... وَلَدٌ ← اگه بچه ندارید: $\frac{1}{4}$

۲) فإن كانَ لَكُم وَلَدٌ ← اگه بچه دارید: $\frac{1}{8}$

شرط:

۱) مِن بعدِ وصيّةٍ ← $\frac{1}{3}$

۲) أو دَين ...

پس شدو حا بین آقا و خانوم مشترک است

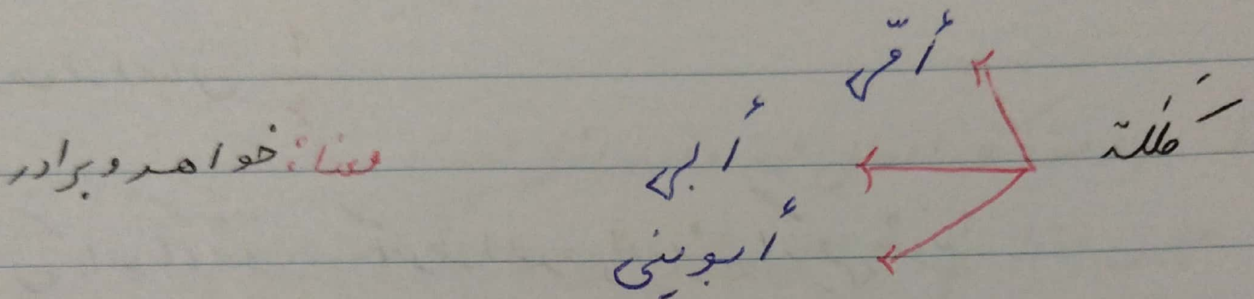
وإن كانَ رجلٌ يورثُ كلالةً أو امرأةٌ

امرأةٌ ← عطف به ← رَجُل

آذین مهر

کُل : زینت - تاج - افتخار

معنای لغوی
کَلالة ← متفرقی از اقوام که مایه فخر انسان است



طبقات وارثین

۱. فرزند - پدر - مادر - همسر
۲. خواهر - برادر - پدربزرگ - مادربزرگ - همسر
۳. خاله - دایی - عمو - عمه - همسر

از طبقه اول ارث فقط یک نفر باشد : مثال : مادر

$\frac{1}{4}$ ← زن $\frac{3}{4}$ ← مادر

* خانوم با تمام طبقات ارث جمع می‌شود *

همسر

اگر مرد یا زنی کلالة از شان ارث می‌برند
وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ ← برادر یا خواهر

یعنی طبقه اول کسی نباشد. اگر یک خواهر یا برادر دارد سهم الارث برای

هر یک از ایشان $\frac{1}{6}$

فإن کانوا أکثر ... اگر خواهر و برادر بیشتر از یکی شوند

فهم شرکاء فی الثُّلُث شریک در $\frac{1}{3}$

کلالة واحد $\frac{1}{6}$ یک خواهر یا یک برادر

کلالة متعدد $\frac{1}{3}$ بیش از یک خواهر یا برادر

• با شرط‌ها:

۱) وصیت $\frac{1}{3}$ اموال

۲) دین

غیرَ مُضآرٍ

وصیت و دینی ضرر زننده به ورثه نباشد

چون نباید به وارثشان ضرر برساند درغیراینصورت وصیت باطل است

مثلاً ← وصیت کل اموال جهت وقف باطل است
چون فقط $\frac{1}{3}$ اموال می‌توان وصیت کرد

وصیةً مِن الله ← این دستور خداست

واللهُ علیمٌ حلیمٌ ← و خداوند علیم و صبور است

نکته!

از هر طبقه به ترتیب اگر یک نفر موجود باشد نوبت به طبقه پایین تر

نمی رسد.

وَالسّارِقُ وَالسّارِقَةُ فَاقطَعُوا
أَيدِيَهُما جَزاءً بِما كَسَبا نَكالاً
مِنَ اللّهِ وَاللّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ ۳۸ - مائده

وَالسّارِقُ وَالسّارِقَةُ ← مرد و زن دزد

والسارق ← ال ← استغراق ← اشاره به سارق خاصی ندارد و حکم برای همه سارقان همگانی می باشد

برخی ال را ← عهد ذهنی می گویند ← در ذهن من گوینده معنا واضح است

• انواع «ال» عهد

↓

۱) عهد ذهنی : ذهنی می باشد
۲) حضوری : با چشم می بینیم
۳) ذکری : قبلا بیان شده

شرایط وجوب حد سرقت :

۱) بالغ باشد
۲) عقل

۳) اختیار

« حد دزدی »

۴) مضطر نباشد ← جان در خطر نباشد

۵) دزد چیزی را بشکند ← در جایی که نگه داری می شود آنجا وارد شود

* زمین عرفاً حرز حساب نمی شود *

۶) مباشرت یا سبب ← اخراج آن کالا به آن فرد نسبت داده شود

عرفاً بگویند فلانی کالا را خارج بود

۷) دزدی پدر از پسر ← دست پدر قطع نمی شود

۸) بصورت پنهانی بر دارد

۹) از نظر شیعه کالایی که سرقت می شود باید حداقل یک ربع دینار یعنی یک مثقال شرعی باشد

پس سارق به کسی می گویند که این ۹۰ شرط را داشته باشد مقصود این نیست که اگر این شرایط نبود حرام نمی باشد درصورتی که به مال دیگری دست اندازی شود کار حرام است و دارای عقوبت می باشد

• تمام واجبات حد شرعی ندارد

• حد شرعی و حرام بودن دو مبحث جدای باشد

اقطعوا ← قطع ید

امام علی (ع): از انتهای انگشتان ← قطع ۴ انگشت از انتهای ریشه

من اکراه دارم از اینکه قطع بکنم دست دزد را به گونه ای که نتواند با بدن و

جوارح عبادت خدا را انجام دهد.

پس طبق روایت ← قطع ۴ انگشت

گروهی از خوارج دست را از مچ قطع می کنند و معتقد هستند که مقصود از

کلمه ید ← کف می باشد

• امام جواد (ع):

وقتی برای مناظره دعوت شدند و از ایشان نظرشان درباره جمله

فاقطعوا أیدیهم سؤال کردند - ایشان فرمودند : ۴ انگشت طبق آیه

قرآن ← وأنّ المساجد لله ← سجده‌گاه برای خداست

مسجد :

✓ بیرونی ← ساختمان

✓ مواضع بدن که با آن سجده می‌شود ← ۷ موضع ← کف دست

● آیا هر دو دست قطع می‌شود؟

خیر - از دست راست شروع می‌شود

دفعه اول ← ۴ انگشت دست راست از ریشه

" دوم ← پای چپ از انتهای برآمدگی

" سوم ← حبس ابد

" چهارم ← دزدی در زندان - از حرز ← اعدام

جَزاءً ← مفعولٌ لِأجله : عقوبتی است در برابر کاری که انجام دادند

وَکانَ اللّه ← عفبی از طرف خدا

والله عزیز ← خداوند با اقتدار است

عزیز ← قابلیت ها به جای کم و زیاد شدن حکم ندارد

حکیم ← خداوند حکیم است

از روی حکمت است و اعتراض به کار حکیم معنا ندارد.